

# امپریالیسم، دشمن درجه یک خلق‌های جهان است

سلیم - اول جدی 1400

کشورهای امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم امریکا در سال 2001 میلادی (1381 خورشیدی) به افغانستان حمله نظامی کردند و آن را به اشغال خود درآوردند. اشغال‌گران امپریالیست شعارهای کذائی مبارزه علیه تروریسم، دموکراسی، آزادی زنان از چنگال طالبان قرون وسطایی و آزادی مطبوعات را روپوشی برای تجاوز و اشغال‌گری خود قرار داده و افغانستان را با قتل عام مردم بی‌گناه به اشغال خود درآوردند. بعد از تصرف افغانستان تمام خائنین ملی و وطن‌فروشان را در بن جمع نموده و یک دولت دست‌نشانده به رهبری حامد کرزی (شاه شجاع سوم) تشکیل دادند، تعداد زیادی از تسلیم‌شدگان به اصطلاح شعله‌یی در محور رژیم دست‌نشانده حامد کرزی جمع شدند و به مبلغین اشغال‌گران و رژیم پوشالی تبدیل گردیدند. علاوه بر این تسلیم‌شدگان در دوره انتخابات دور اول ریاست جمهوری رژیم دست‌نشانده به حامد کرزی این شاه شجاع سوم، کمپاین‌های انتخاباتی راه اندازی کردند و خود شان نیز کاندیدهای به پارلمان و شوراهای ولایتی رژیم دست‌نشانده معرفی نمودند و بطور فعال برای مشروعیت بخشیدن به رژیم دست‌نشانده و اشغال افغانستان کمر همت بستند. علاوه بر آن تسلیم‌شدگان، احزاب خود را در وزارت عدلیه رژیم دست‌نشانده راجستر نمودند و برای توجیه تسلیمی خود به نوشتن کتاب‌ها و مقالات متعددی پرداختند. کتاب "افغانستان الگوی دموکراسی امریکایی" یکی از این نمونه هاست. آن‌ها از این طریق به تبلیغات وسیعی پرداختند که اشغال‌گران امپریالیست برای ریشه کن نمودن لانه های تروریسم و دفاع از حقوق زنان و اعاده دموکراسی و رشد و ترقی افغانستان به این کشور لشکر کشی نموده اند. آن‌ها ادعا داشتند که اشغال‌گران امپریالیست فیودالیسم را ضربه می‌زند و زمینه را برای رشد بورژوازی در افغانستان مهیا می‌سازد و از این طریق به رشد طبقه کارگر می‌پردازد. در همان زمان ما این خیال پردازان را به شدیدترین وجه رد نموده و به ایشان گوش زد نمودیم که این شعارها روپوشی برای اشغال کشور است و پوچ و میان تهی است. هرگاه منافع اشغال‌گران امپریالیست تحت رهبری امپریالیسم امریکا تقاضا نماید از خیر تمام شعارهایش می‌گذرد و دوباره به رشد بنیادگرایی در افغانستان می‌پردازد.

عمل کرد بیست ساله اشغال‌گران امپریالیست تحت رهبری امپریالیسم اشغال‌گر امریکا بر گفته‌های ما صحنه گذاشت و بعد از بیست سال جنایت و اشغال‌گری در افغانستان قدرت سیاسی را با حضورداشت هزاران نیروی نظامی اشغال‌گر به دست پروردگان دیروزی خود (طالبان) سپرد. طالبانی که تا دیروز از جمله تروریست‌ها محسوب می‌گردید و در لیست سیاه سازمان ملل و امریکا جا داده شده بود، امروز دیگر تروریست نیست. امروز هم شعار مبارزه علیه تروریسم از طرف اشغال‌گران امپریالیست در افغانستان بلند است، اما نه علیه طالبان، بل که علیه نیروی که دیروز بر علیه طالبان او (داعش) را به افغانستان آورد و کمک شان نمود. این شعار کذایی در حقیقت روپوشی برای برگشت دوباره و پیاده نمودن اهداف اشغال‌گرانه امپریالیسم امریکا می‌باشد.

در حقیقت امپریالیسم امریکا به هیچ وجه خواهان مهار نمودن موج بنیادگرایی نبوده و نیست، بل که هدفش کاملاً بر عکس است. زیرا طبق اعتراف برژنسکی مشاور امنیت کلنتن "شبکه اسلام مبارز" توسط CIA ایجاد گردیده است. رشد بنیادگرایی بعد از حادثه یازدهم سپتامبر در خاور میانه و آسیای مرکزی طبق پالیسی امپریالیسم امریکا پیش رفته است.

امپریالیسم امریکا برای بی ثبات نمودن منطقه و جلوگیری از جنبش‌های ملی و مترقی به حفظ تروریسم نیازمند است نه مبارزه علیه آن. تاریخ شاهد آنست که امپریالیسم امریکا توسط بنیادگرایان مذهبی، دولت‌های ملی و سکولار را سرنگون نموده و نهادهای مذهبی را جای‌گزین آن‌ها کرده است.

امپریالیسم امریکا پس از جنگ دوم جهانی و در دوران جنگ سرد، نه تنها سوسیالیسم، بل که ناسیونالیسم و سکولاریسم را دشمن خود محسوب می‌نمود. چنین ایدئولوژی‌های از نظر غرب قابل قبول نبود و مخرب بشمار می‌رفت. لذا دستگاه اطلاعاتی ایالات متحده امریکا (CIA) در دهه‌های متمادی با بنیادگرایان مذهبی علیه این ایدئولوژی هم دست گردید و از بنیادگرایان اسلامی در مقابل

ناسیونالیسم عرب، ناسیونالیسم ایران، ترکیه و هند به دفاع برخاست و توسط عربستان سعودی آن‌ها را کمک مالی نمود. تمامی احزاب بنیادگرای مذهبی بشمول القاعده، طالبان و داعش ساخته و پرداخته امپریالیسم آمریکا و متحدینش می‌باشد.

تاریخ شاهد و گواه آنست که همین سازمان‌های تروریست و بنیادگرای اسلامی نه تنها در حوزه بالکان و "شوروی" سابق، بل که در چین و هند وسیله مهم عملیات اطلاعاتی - نظامی آمریکا بوده و هستند.

بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه موثرترین شیوه در روند پیاده نمودن اهداف استعمارگرانه امپریالیسم آمریکا بوده و می‌باشد. امپریالیسم آمریکا از شروع دست اندازی خود در منطقه تا مداخلات مستقیم نظامی و اشغال افغانستان و عراق و لشکر کشی به سوریه... از بنیادگرایان اسلامی به عنوان بهترین ابزار استفاده نموده است و بعد از این نیز چنین خواهد کرد.

بعد از فروپاشی امپراتوری سوسیال امپریالیسم "شوروی" آمریکا حکومت صد ساله بلامنازع خود را اعلان نمود و بفرق اشغال افغانستان، عراق و بقیه کشورهای منطقه افتاد، به همین علت بود که امارت اسلامی طالبان را سرنگون نمود و حکومت مورد دلخواه خود را به کرسی دست نشاندگی نشاند و به همین شیوه در عراق عمل نمود، اما در سوریه رقیب از نفس افتاده اش (امپریالیسم روسیه) رمق دوباره گرفت و در مقابل امپریالیسم آمریکا ایستاد و بالاخره آمریکا مجبور گردید تا از سوریه پا پس کشد. بعد از این حادثه امپریالیسم آمریکا شکست نظامی اش را در افغانستان بطور واضح و روشن می‌دید، بناءً برای پیاده نمودن اهداف شومش به طالبان متکی گردید و با ایشان "توافقنامه صلح" را در دوحه قطر به امضاء رساند و بعد از مدتی به این نتیجه رسید که باید قدرت اصلی به طالبان واگذار نماید. در 24 اسد 1400 خورشیدی با حضور هزاران سرباز امریکایی اشرف غنی را فرار داد و قدرت را به طالبان سپرد.

از زمان امضای "توافقنامه صلح" در دوحه تمامی تسلیم شدگان و تسلیم طلبان به دفاع از "دستاورده های بیست ساله" برخاستند و از اشغال‌گران عاجزانه خواستند تا از این "دست آورد" دفاع نمایند و نگذارند که به دست طالبان نابود شود. آن‌ها درک نکرده و نمی‌کنند که سیاست امپریالیسم آمریکا علیه تروریسم طالبانی فقط بهانه‌ای برای پیاده نمودن اهداف استعمارگرانه شان در افغانستان بوده نه چیز دیگر. کسانی که التماسانه از امپریالیسم آمریکا و متحدینش می‌خواهند که از حقوق زنان و حقوق بشر در افغانستان حمایت نمایند در حقیقت می‌خواهند که امپریالیسم آمریکا را فرشته نجات خلق‌ها معرفی کنند، در حالی که امپریالیسم دشمن درجه یک خلق‌های جهان بشمار می‌رود و تا زمان مرگ ساطور قصابی اش را بر زمین نمی‌گذارد. خواست دفاع از حقوق زنان و حقوق بشر در افغانستان از اشغال‌گران امپریالیست و در راس شان امپریالیسم اشغال‌گر آمریکا چیزی جز خیانت به امر انقلاب و خلق‌های زحمت‌کش افغانستان نیست. ما شاهد آنیم که اکثریت تسلیم شدگان و تسلیم طلبان بعد از قدرت‌گیری طالبان فرار را برقرار ترجیح داده و به غرب پناهنده شدند.

## توده های ستم دیده افغانستان!

یگانه راه نجات زحمت‌کشان کشور بسیج همه‌گانی توده‌ها تحت رهبری طبقه کارگر در راه اندازی یک مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه امارت اسلامی طالبان و حامیان اشغال‌گر شان و تمامی امپریالیست‌ها و مرتجعین تا سرنگونی کامل رژیم ارتجاعی دست‌نشانده و بیرون راندن کامل اشغال‌گران از افغانستان و استقرار جامعه دموکراتیک نوین می‌باشد. تا رسیدن چنین روزی، هیچ گاه خلق‌های زحمت‌کش افغانستان و به خصوص زنان ستم دیده کشور به صلح شرافتمندانه و آزادی واقعی نخواهند رسید، پس بیایید دست به دست هم داده و در راه پیش برد مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی از هیچ گونه فداکاری و هم‌کاری دریغ نورزیم.